

دکتر رابرت ای. پترسون، رستگاری، جلسه ۶، فرمول‌بندی‌های سیستماتیک انتخابات، شماره ۱: نویسنده

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد رستگاری است. این جلسه ۶، فرمول‌بندی‌های سیستماتیک انتخابات، شماره ۱: نویسنده است.

ما به سخنرانی‌های خود در مورد دکترین رستگاری ادامه می‌دهیم و بیاپید با هم دعا کنیم.

ای پدر مهربان، ای پسر و ای روح القدس، ما در برابر تو سر تعظیم فرود می‌آوریم؛ ما از تو به خاطر فیضت سپاسگزاریم؛ ما از تو به خاطر نقشه عظیم نجاتت سپاسگزاریم؛ ای پدر، ما از تو سپاسگزاریم که پسر را فرستادی تا ناجی جهان، حتی ناجی ما باشد. ما از تو سپاسگزاریم، ای پدر و پسر، که روح القدس را به قلب‌های ما فرستادی تا تو را بشناسیم، دوست داشته باشیم و خدمت کنیم. ما امروز دعا می‌کنیم که ما را برکت دهی.

از طریق خداوند عیسی مسیح، به ما فیض عطا فرما تا با تو همراه شویم. آمین. ما به آموزه برگزیدگی پایبندیم.

ما مقداری بررسی تاریخی انجام داده‌ایم که دیگر تکرار نمی‌کنم و به سراغ انتخاب می‌آییم. قبل از اینکه واقعاً به بررسی سیستماتیک پردازیم، یک مقدمه کوتاه از کتاب مقدس داریم. خدا برخی را برای خدمت انتخاب می‌کند و ما این را در هر دو عهد می‌بینیم، از جمله پیامبران، کاهنان و پادشاهان.

با این حال، گزینش فقط برای خدمت نیست؛ بلکه وسیله‌ای است که از طریق آن طرح نجات‌بخش خدا محقق می‌شود. خدا ابراهیم، اسحاق و یعقوب را برای رستگاری برگزید، نه فقط خدمت، اگرچه او این کار را نیز انجام داد، و اسرائیل را به عنوان قوم خود برگزید. به همین ترتیب، او کلیسای عیسی مسیح را به عنوان فرزندان خدا برگزید.

گزینش خدا بر اساس اعمال یا ایمان از پیش تعیین شده نیست، بلکه کاملاً ناشی از انتخاب آزاد و عاشقانه‌ی خداست. گزینش گناهکاران توسط خدا تأیید می‌کند که رستگاری تنها از طریق فیض است و تمام جلال را تنها به خدا می‌دهد. حتی قبل از اینکه به این موضوع پردازم، برای رعایت انصاف، می‌خواهم دیدگاه‌های آرمینیوس در مورد گزینش را بیان کنم.

تا الان باید مشخص شده باشد که من یک کالوینیست هستم. من قطعاً دست دوستی خود را به سوی همه مؤمنان واقعی دراز می‌کنم، و این شامل مؤمنان آرمینیایی به مسیح نیز می‌شود. من با برادران و خواهران آرمینیایی خود اشتراکات مهم‌تری نسبت به موارد غیرمشترک دارم.

برای مثال، کلام خدا، تثلیث، نجات از طریق فیض از طریق ایمان به مسیح و موارد بسیار دیگر. با این وجود ما با این آموزه خاص مخالفیم. برای رعایت انصاف، می‌خواهم سه رویکرد اصلی الهیات سیستماتیک آرمینیوس را در مورد آموزه برگزیدگی خلاصه کنم و منابعی را ارائه دهم.

من نوشته‌های آنها را در پاورقی می‌نویسم. بارها گفته شده که اولاً، انتخابات امری صنفی است و نه فردی. عهد جدید به صنفی بودن شهادت می‌دهد.

مطمئناً، عهد عتیق از برگزیدگی اسرائیل صحبت می‌کند. این عهد به برگزیدگی افراد نمی‌پردازد. من موافقم که عهد عتیق عمدتاً در مورد برگزیدگی ملت اسرائیل است، اما همچنین فکر می‌کنم که، تا حدودی، در مورد برگزیدگی ابراهیم، اسحاق و یعقوب نیز هست.

برای مثال، همانطور که گفتیم، این قطعاً درست است زیرا عهد جدید برای قوم خدا، برای کلیسا نوشته شده است، و آموزه برگزیدگی عمدتاً از نامه‌های پولس می‌آید، و آنها خطاب به کلیساها نوشته شده‌اند، نه افراد. در واقع، گزینش، جمعی است، اما همانطور که خواهیم دید، گزینش فردی نیز هست. بنابراین، اول از همه، یک منبع است.

ویلیام کلاین، برادری در مسیح که عهد جدید را در مدرسه علمیه دنور تدریس می‌کند، کتابی نوشته است که باید نوشته می‌شد، «قوم برگزیده جدید، نگاهی شرکتی به انتخابات»، انتشارات زوندروان، ۱۹۹۰. من فکر می‌کردم این کتاب باید نوشته می‌شد، و نوشته شد، و او محقق خوبی است. با این حال، فکر می‌کنم این همان چیزی است که فیلسوفان آن را انتخاب نادرست می‌نامند.

آیا انتخابات شرکتی است؟ بله. آیا این به معنای فردی بودن نیست؟ نه، هر دو است. هر دو است.

در واقع، وقتی پس از نوشتن کتاب «انتخاب و اراده آزاد» به اعضای هیئت علمی که در آن تدریس می‌کردم گزارش دادم، چه چیزهایی یاد گرفتید؟ گفتم که ما به درستی بر انتخاب فردی تأکید کرده‌ایم. ما به اشتباه بر انتخاب جمعی تأکید کمتری داشته‌ایم. این مربوط به کلیسا و تعلق مردم به یکدیگر است.

در واقع، به یک مضمون پست مدرن خوب اشاره می‌کند. مضامین پست مدرن ناخوشایند زیادی وجود دارد، اما مفهوم جمع‌گرایی، تعلق، با هم بودن و نیازهای مردم خوب است. این کتاب مقدس است.

و از قضا، گزینش، که گاهی اوقات به دلیل آموزش فردگرایی زشت مورد حمله قرار می‌گیرد، در واقع، اول از همه، از نظر... است، اگر بینی‌ها را حساب کنید، زیرا نامه‌ها به کلیساها نوشته شده‌اند، نه افراد، شرکتی است، اما مطمئناً فردی نیز هست. دوم، شماره دو، دیدگاه دوم آرمینیان در مورد گزینش، که معمولاً گفته می‌شود و قبلاً در مقدمه کوچک کتاب مقدسی من به آن اشاره شده است، این است که گزینش برای خدمت است، نه رستگاری. اچ. اورتون وایلی، *الهیات مسیحی*، بیکن هیل، 1940 تا 1943، جلد 2، صفحه 339. همین کلمات را می‌گوید.

گزینش برای خدمت است، نه نجات. در کتاب مقدس، گزینش برای خدمت است. یوحنا ۱۵، تنها جایی در کتاب مقدس که پسر خدا عامل گزینش است و نه پدر.

من تو را برگزیده‌ام و تو را مقدر کرده‌ام که بروی و میوه بیاوری و میوهات باقی بماند. این قطعاً خدمت است. با این وجود، در آن فصل در آیات ۱۶ و ۱۹، گزینش قوم وجود دارد، گزینش قومش توسط عیسی برای نجات.

باز هم، این یک انتخاب نادرست است. این یا آن یا نیست، بلکه هر دو است. و در واقع، اگر این بار بینی‌ها را بشمارید، انتخاب در درجه اول برای رستگاری است و در درجه دوم در چارچوب مطالب کتاب مقدس.

همچنین برای خدمت است. دیدگاه‌های آرمین در مورد انتخابات، اول از همه، انتخابات شرکتی است و نه فردی. این یک انتخاب نادرست است.

انتخاب برای خدمت است، نه رستگاری، یک انتخاب نادرست دیگر. و البته، دیدگاه اصلی به خود آرمینیوس برمی‌گردد و توسط وسلی تأیید می‌شود، که عمداً روزنامه خود را آرمینین نامید. نکته سوم این است که انتخاب بر اساس پیشگویی الهی از ایمان است.

وایلی، دوباره، اورتون وایلی، *الهیات مسیحی*، جلد ۲، صفحه ۳۴۰. اچ. ری دانینگ، فیض، ایمان و تقدس، الهیات سیستماتیک وسلی، بیکن هیل، ۱۹۸۸، صفحات ۴۳۵ تا ۴۳۶. وایلی، الهیات مسیحی، جلد ۲، صفحه ۳۴۰.

ری دانینگ، فیض، ایمان و تقدس، الهیات سیستماتیک وسلی، صفحات ۴۳۵ تا ۴۳۶. این کتاب‌های الهیات سیستماتیک انتشارات وایلی هنوز از نظر اندازه استاندارد هستند. سه جلد است و یک استاندارد محسوب می‌شود.

دانینگ، و یکی دیگر که باید از او نام ببرم، جی. کنت گرایدر، الهیات تقدس وسلی، بیکن هیل، ۱۹۹۴. جی. کنت گرایدر، الهیات تقدس وسلی. الهیات‌های سیستماتیک جدیدتر گرایدر و دانینگ از سنت آرمینیوس به شیوه‌ای وسلی هستند.

هر دو کتاب، الهیات سیستماتیک تک جلدی، حدود ۶۰۰ صفحه هستند و اغلب برای بررسی‌های مفصل‌تر از جمله همین کتاب، به انتشارات وایلی ارجاع می‌دهند. در واقع، نکات قابل تحسین زیادی در این کتاب‌ها وجود دارد و من با بسیاری از آنها موافقم. البته، مواردی هم هست که با آنها مخالفم، همانطور که اگر روزی، یک الهیات سیستماتیک می‌نوشتم، با کتاب من مخالف بودند، اما اگر بخش‌گزینش را هم در آنها بکنجاند، بسیار سپاسگزار خواهم بود.

در برخی از کلیساهای آرمینیان، این موضوع کاملاً نادیده گرفته می‌شود، اما من از اینکه چند صفحه به آن اختصاص می‌دهند خوشحال نیستم. از ۶۰۰ صفحه، اختصاص سه یا چهار صفحه به آموزه برگزیدگی، با تأکید کتاب مقدس بر آن، نامتناسب است. ۶۰۰ صفحه از ۶۰۰ صفحه چطور؟ این هم نامتناسب است.

این زیاده‌روی است، و انصافاً، وقتی انگشت اشاره را به سمت کسی نشانه می‌گیرم، می‌خواهم به انگشت ششم نگاه کنم که به سمت خودم برمی‌گردد. آیا الهیات سیستماتیک کالوینیستی فضای کافی برای دکترین ارتداد قائل است؟ احتمالاً نه. نه، من می‌گویم نه.

با این حال، من شخصاً کتابی به نام «نجات امن ما» دارم و دارم که نیمی از آن به متون مربوط به حفظ ایمان و نیمی دیگر به متون هشدار دهنده اختصاص دارد که بسیاری از آنها در مورد ارتداد هشدار می‌دهند. بنابراین، گزینش ایمان مبتنی بر پیش‌آگاهی الهی از ایمان است. من با کمال احترام مخالفم و این موضوع با مطالعه متون اثبات خواهد شد.

بله، برگزیدگی به پیش‌آگاهی مربوط می‌شود. پیش‌آگاهی به برگزیدگی مربوط می‌شود. من جزئیات بیشتری در مورد مطالعات کلامی و غیره ارائه خواهم داد، اما اثبات این موضوع، مثل همیشه، این است که سیستماتیک بودن باید بر اساس تفسیر بنا شود.

تفسیر متونی که در آنها از پیش‌آگاهی یا علم غیب در زمینه نجات و رستگاری استفاده شده است، نشان نمی‌دهد که خداوند انتخاب انسان‌ها را بر اساس پیش‌بینی خود از ایمان یا عدم ایمان آنها انجام می‌دهد. نویسنده کتاب مقدس در این مورد واضح است.

اجازه دهید طرح کلی شبکه سیستماتیک را بررسی کنم. نویسنده انتخابات. زمان‌بندی انتخابات

مبنای انتخابات. خداوند بر چه اساسی مردم را انتخاب می‌کند؟ دامنه انتخابات. افراد و کلیسا

اهداف انتخابات. رستگاری ما و جلال خدا. انتخابات

گزینش تاریخی. یک گزینش ابدی. گزینش و پیش آگاهی

بررسی قابل توجهی از آن موضوع مهم. برگزیدگی و اتحاد با مسیح. برگزیدگی و فراخواندگی

برگزیدگی و ایمان. برگزیدگی و انجیل، که در واقع جای بسیار خوبی برای نتیجه‌گیری است، زیرا گاهی اوقات کالونیست‌هایی که به برگزیدگی اعتقاد دارند، حتی اگر بگویم به درستی یا اساساً به درستی در درک خود، برای انجیل فیض خدا غیرت نداشته‌اند. و این یک گناه است

کتاب مقدس واضح است. خدای ما خدای نجات است. مزمور ۶۸-۲۰

و رستگاری از آن خداوند است. مزمور ۳۸. پس تعجب نمی‌کنیم وقتی که در کتاب مقدس، همواره از خداوند به عنوان عامل گزینش یاد می‌شود

خدا ابراهیم را از میان تمام بشریت برگزید. نقل قول کن، تو، ای خداوند، خدایی هستی که ابرام را برگزیدی و او را از میان کلدانیان بیرون آوردی و نامش را به ابراهیم تغییر دادی. نحمیا ۹: ۷. از ابراهیم، خدا قوم اسرائیل را به وجود آورد که آن را از میان تمام اقوام روی زمین به عنوان قوم خود برگزید

آیا خدا مشتاقانه منتظر بود تا ببیند کدام ملت به او ایمان می‌آورد؟ آیا او مشتاقانه منتظر بود تا ببیند کدام ملت به او وفادار می‌ماند؟ پسر، این سناریوها با وحی کتاب مقدس که اسرائیل را قومی لجوج و سرسخت معرفی می‌کند، مطابقت ندارد. نه، خدا ابراهیم را انتخاب کرد، که پسر بت‌پرستان بود، همانطور که در آخرین فصل یوشع، یوشع ۲۴، آمده است. و او اسرائیل را علیرغم سرکشی‌شان انتخاب کرد

خدا به اسرائیل گفت که تقدس را دنبال کنند. نقل قول، زیرا شما قوم مقدسی هستید که به خداوند، خدای خود تعلق دارید. خداوند شما را از میان تمام قوم‌های روی زمین برگزیده است تا ملک خاص او باشید

تثنیه ۲: ۱۴. تمایز عهد جدید بین وجه اخباری و امری، تمایزی است که عهد عتیق به عهد جدید آورده است. شما ملت مقدسی هستید. وجه اخباری همین است

آنها اینگونه هستند، همانطور که خدا آنها را از همه قوم‌های بت‌پرست جدا کرد. اما قرار است آنها مقدس باشند، همانطور که من مقدس هستم، خداوند می‌گوید. لاویان ۱۱

و این موضوع دیگری است. دستور آنها با دستورالعمل شگفت‌انگیز خدا مطابقت نداشت. تثنیه ۵ واضح است

خداوند شما، اسرائیل، را به این دلیل که بزرگترین ملت‌های زمین بودید، انتخاب نکرد. شما کوچکترین ملت‌ها بودید. مهمترین چیز برای اهداف ما، قوم برگزیده خدا برای نجات است

این مضمون از ابتدا تا انتهای عهد جدید تکرار می‌شود. متی ۱۴: ۲۲. بسیاری به این ضیافت دعوت می‌شوند، اما تعداد کمی برگزیده می‌شوند

متی ۲۲:۱۴. مکاشفه ۱۷:۱۴. کسانی که با بره، نمادی از مسیح در کتاب مقدس، هستند، که در تمام کتاب‌های مکاشفه به جز یک بار، به آنها اشاره شده است.

و کاملاً واضح است که این صرفاً یک تشبیه نیست، ببخشید. کسانی که با بره هستند، فراخوانده، برگزیده و وفادارند. مکاشفه ۱۷:۱۴.

هر بخشی از عهد جدید که به برگزیدگی می‌پردازد، یا برگزیدگی را به خدا نسبت می‌دهد یا با استفاده از فعل مجهول الهی، تلویحاً به این واقعیت اشاره می‌کند. در فاصله بین عهدین، یهودیان بیشتر و بیشتر از به کار بردن نام الهی اکراه داشتند. آنها برای نام الهی از اطناب استفاده می‌کردند.

بنابراین، در یعقوب ۳، یعقوب می‌گوید، حکمت از بالا، البته منظور او حکمت از خداست، و آنها از فعل مجهول الهی استفاده کرده‌اند. به جای اینکه بگویند خدا کسی را برکت می‌دهد که، و این با سابقه عهد عتیق، نیز مطابقت دارد، می‌گویند: «خوشا به حال کسی که، چنین. و به جای اینکه بگویند خدا تو را برگزیده است، چنین می‌گویند تو که توسط خدا برگزیده شده‌ای، چنین.

این یک فعل مجهول الهی است؛ یک فعل مجهول که از نام خدا اجتناب می‌کند یا نام خدا را کوچک جلوه می‌دهد. و اگر آن را به فعل معلوم تبدیل کنیم، اگر بخواهید، خدا انتخاب‌کننده، انتخاب‌کننده است. انتخاب فقط کار خداست.

در تمام این قبیل آیات به جز یکی، خدای پدر عامل گزینش است. هرگز روح القدس چنین نقشی نداشته است. فقط یک بار پسر چنین نقشی داشته است، یوحنا ۱۵ آیات ۱۶ و ۱۹.

آنچه قبلاً در مورد آموزه تثلیث گفتم، هنوز هم پابرجاست. گزینش، کار تثلیث است. شما نمی‌توانید اشخاص را از هم جدا کنید.

ما اشخاص را از هم متمایز می‌کنیم، بنابراین در جمله بعدی می‌گوییم که گزینش کار تثلیث است، اما در بند مستقل بعدی، اما به ویژه پدر و در یک جا پسر. عهد جدید، به طور کلی، کارهایی را به پسر خدا نسبت می‌دهد که خدا در عهد عتیق انجام می‌دهد. این در مورد خلقت، یوحنا ۱، کولسیان ۱:۱۶، مشیت الهی، کولسیان ۱:۱۷. عبرانیان ۱:۳ و پسر صادق است.

به وسیله پسر، همه چیز قوام می‌یابد. پسر همه چیز را با کلام قدرتمند خود به هم پیوند می‌دهد. داوری، یوحنا ۵:۲۲-۲۳، پدر تمام داوری را به پسر سپرده است تا آنها پسر را همانطور که پدر را احترام می‌کنند، احترام کنند.

دوم تسالونیکیان ۱:۷ و ۸، مسیح بازگشته با تیرئه و داوری می‌آید. و این در مورد نجات نیز صادق است. همانطور که دیده‌ایم، عهد عتیق نجات را به خداوند نسبت می‌دهد.

عهد جدید آن را به پسر خدا نسبت می‌دهد، یوحنا ۵:۲۸-۲۹، با صدای پسر انسان، کسانی که در قبرهایشان هستند بیرون خواهند آمد، قبرهایشان بیرون خواهد آمد، برخی برای حیات ابدی، برخی برای داوری. عبرانیان پس از تطهیر گناهان، پسر در دست راست اعلیحضرت نشست. یوحنا این گرایش عهد جدید، یک، ۱:۳ گرایش کلی عهد جدید، را در نظر می‌گیرد که اعمالی را که در عهد عتیق به معنای کلی به خدا نسبت داده می‌شود، به پسر خدا نسبت می‌دهد.

خدا معمولاً متمایز نیست. عهد جدید، تثلیث، عهد جدید را تعلیم می‌دهد. همانطور که در سخنرانی قبلی گفتم، آموزه تثلیث، به یک معنا، زیرمجموعه‌ای از آموزه فیض است.

البته، خدا همیشه تثلیث مقدس بوده است، بنابراین ما در مورد هستی‌شناسی صحبت نمی‌کنیم. ما در مورد چگونگی وجود خدا صحبت نمی‌کنیم، بلکه در مورد چگونگی مناسب بودن او برای آشکار کردن خود صحبت می‌کنیم. آیا در عهد عتیق اشاراتی، و گاهی اوقات بیش از اشاراتی، وجود ندارد که خدا چیزی بیش از این است که خدا یک وحدت است، بلکه کثرتی در درون وحدت است؟ بله، البته. اما خدای من، تثلیث به طور کامل در عهد جدید آشکار می‌شود، به خصوص زمانی که پسر به صورت انسان در می‌آید تا نجات‌دهنده ما باشد، و به خصوص زمانی که روح القدس در پنطیکاست نازل می‌شود.

به این ترتیب، آن وقایع و اعمال نجات‌بخش، چگونگی وجود خدای مرموز و توحیدی را برای ما آشکار می‌کنند. اما عهد جدید، کارهای خدا را به پسر نسبت می‌دهد. یوحنا این گرایش را گسترش می‌دهد و فراتر از بقیه عهد جدید می‌رود.

فقط یوحنا تعلیم می‌دهد که عیسی ایمانداران را به فرزند قبول می‌کند. همیشه، این پدر در پولس است طبق یوحنا ۱:۱۲، مگر اینکه، مگر اینکه، من هرگز نمی‌گویم که کتاب مقدس اشتباه دارد، اما کتاب مقدس به استانداردهای املائی و دستوری ما پایبند نیست.

در این مورد، مثلاً در رساله اول یوحنا، واقعاً دشوار است که بدانیم ضمیرها به چه کسی اشاره دارند، به پدر یا پسر، یا حتی گاهی به روح القدس. آیا من از کتاب مقدس انتقاد می‌کنم؟ نه، من فقط نحوه رسیدن آن به ما را توصیف می‌کنم. به همین ترتیب، مگر اینکه پولس بگوید، یوحنا مرجع و پیشینه را تغییر می‌دهد و وقتی می‌گوید او حق فرزندان خدا شدن را داد، در مورد پسر صحبت می‌کند.

بنابراین، به نظر من در یوحنا ۱:۱۲، تنها در کتاب مقدس، عیسی فرزندخوانده است. او نقش پدر را ایفا می‌کند. و تنها عیسی در انجیل یوحنا، در کل کتاب مقدس، خود را از مردگان برخیزاند.

معمولاً پدر است، چه مستقیماً و چه از طریق فعل مجهول الهی. چند بار هم روح القدس است، مثلاً در همان ابتدای رومیان. و فکر می‌کنم اول پطرس ۳، آن متن مهم آنجا.

اما شکی نیست، فقط در یوحنا ۲ آمده است که «این معبد را ویران کنید و من در سه روز آن را برپا خواهم کرد.» یوحنا همچنین یک تفسیر الهام‌بخش از سرمقاله به ما می‌دهد. او از معبد بدن خود صحبت می‌کرد.

در یوحنا ۱۰، عیسی می‌گوید، من شبان نیکو هستم. من جان خود را می‌سپارم و دوباره آن را باز می‌گیرم. در آن دو جا، عیسی کار الهی زنده کردن خود از مردگان را انجام می‌دهد.

تصویر کامل، تصویر سیستماتیک چیست؟ البته، تثلیث عیسی را از مردگان برمی‌خیزاند، به خصوص پدر، گاهی روح القدس، و دو بار عیسی خود را برمی‌خیزاند. خوب، یوحنا به تنهایی، و فقط در یک جا، عیسی را به عنوان انتخاب کننده معرفی می‌کند. ضمناً، کتاب «حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی دیدگاه‌های کتاب مقدس»، نیت «نوشته دی. ای. کارسون، به درستی می‌گوید که یوحنا سه تصویر از انتخاب شدن را ترسیم می‌کند.

او هرگز از کلمه انتخاب، هرگز از کلمه تقدیر یا فعل تقدیر استفاده نمی‌کند، همانطور که پولس استفاده می‌کند، اما با سه مضمون مختلف، یک حقیقت را بیان می‌کند. پدر، مردم را به پسر می‌دهد. این مضمون چهار بار در دعای بزرگ کاهنان در یوحنا ۱۷، کل آموزه را تقویت می‌کند.

من برای جهان دعا نمی‌کنم، بلکه برای کسانی دعا می‌کنم که تو از جهان به من بخشیده‌ای. به همین ترتیب دوباره می‌گوییم: «پدر، مردم را به پسر می‌دهد» راهی برای صحبت در مورد انتخاب آنها توسط پدر است. راه دیگر این است که اگرچه یوحنا به روشنی انجیل و عشق خدا به بشر را ارائه می‌دهد، اما او همچنین چندین بار، چند بار، می‌گوید که هویت پیشین یا مقدم قوم خدا را تعلیم می‌دهد.

در واقع، در یوحنا ۱۰، از کسانی که قوم خدا نیستند، شما به من ایمان نمی‌آورید، یوحنا ۱۰:۲۶-تقریباً، چون گوسفند من نیستید. حال، آیا درست است که بگوییم، شما گوسفند من نیستید؛ بنابراین، به من ایمان نمی‌آورید؟ بله. بله.

اوه، تو گوسفند من نیستی چون به من ایمان نداری؟ البته که درسته. در واقع، این رایج‌تره. اما اینجا میگه، تو ایمان نمیاری چون گوسفند من نیستی.

وای. یعنی خدا گوسفندان خودش و مال خودش را دارد؛ من آنها را بز می‌نامم، گوسفندان خودش و غیر گوسفندان؛ بیا بید قبل از اینکه بزها ایمان بیاورند، از آنها استفاده کنیم. و گوسفندان ایمان می‌آورند و بزها ایمان نمی‌آورند.

این چیست؟ این یک آموزه ضمنی از برگزیدگی است. گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند و از من پیروی می‌کنند و من به آنها حیات جاودان می‌دهم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد. هیچ کس نمی‌تواند آنها را از دست من یا پدر بگیرد.

بنابراین، سه تصویر کتاب مقدس در انجیل یوحنا که با آموزه برگزیدگی پولس همپوشانی دارند. پدر، قوم را به پسر می‌دهد، هویت پیشین یا مقدم قوم خدا قبل از ایمان آوردن آنها. در واقع، به همین دلیل است که آنها ایمان می‌آورند.

انتخاب بر اساس ایمان نیست. انتخاب در ایمان نتیجه می‌دهد. اعمال رسولان ۱۳:۴۸

غیریهودیان وقتی پولس و برنابا از یهودیان به غیریهودیان روی آوردند، شادمان شدند. آنها از عهد عتیق نقل قول کردند که در آن به این موضوع اشاره شده است. آیه‌ای که بلافاصله به من اشاره می‌کند.

آنها شادمان شدند و کسانی که برای حیات جاودان مقدر شده بودند، ایمان آوردند. حال به سراغ غیریهودیان می‌رویم. اعمال رسولان ۱۳:۴۶

زیرا خداوند به ما چنین فرمان داده است که می‌گوید: «من تو را نوری برای امت‌ها قرار داده‌ام تا نجات را به اقصی نقاط زمین بیاوری.» این در مورد مسیح نیز صادق است. این در مورد قوم مسیح، رسولان او نیز صادق است.

و هنگامی که غیریهودیان این را شنیدند، شروع به شادی و ستایش کلام خداوند کردند. و هر که برای حیات جاودان مقرر شده بود، ایمان آورد. ضمناً توجه داشته باشید که این نشان دهنده گزینش فردی است.

هر که برای حیات جاودان منصوب شد، ایمان آورد. انتصاب، ایمان می‌آورد. چه معنایی دارد که این کار را به شیوهی آرمینی انجام دهیم؟ و هر که برای حیات جاودان منصوب شد، ایمان آورد، همان که خداوند از پیش دیده بود.

این وارونه کردن امور است. این بستن گاری جلوی اسب است. نه، انتخابات منجر به ایمان می‌شود.

این مبتنی بر ایمان نیست. من در یوحنا ۱۵ هستم، قرار است باشم. یوحنا به تنهایی عیسی را به عنوان انتخاب کننده معرفی می‌کند.

حال، تأکید بر میوه و تاک و شاخه‌ها، بر برگزیدگی نیست. تأکید بر ثمرآوری است. تأکید در این متن، در متن خود، بر مسئولیت شاگردان برای ثمرآوری است.

با این وجود، پس از تأکید بر مسئولیت شاگردان برای ثمر آوردن با ماندن در او، تنها جایی که این متن به ما می‌گوید منظور چیست، جایی است که عیسی می‌گوید، اگر بمانید، اگر بمانید، اگر در عشق من بمانید بنابراین، برداشت من این است که به معنای ادامه‌ی رفاقت با اوست. به معنای بازگرداندن عشقی است که او به ما دارد، بازگرداندن آن به او در یک پیاده‌روی گرم، مبتنی بر عشق، به سوی او.

این به معنای دوست داشتن او، ادامه دادن به وفاداری عهد و پیمانی است که با عشق مشخص می‌شود، و در متن، اطاعت و غیره. عیسی پس از تأکید بر مسئولیت شاگردان برای ثمر آوردن با ماندن در او، تاک حقیقی توضیح می‌دهد که انتخاب او توسط شاگردان، که واقعی بود، نهایی نیست. بله، البته، متی غرفه باجگیر را ترک کرد و به دنبال عیسی رفت.

یعقوب و یوحنا، پطرس و اندریاس تورهای ماهیگیری خود را رها کردند و از عیسی پیروی کردند. آنها او را انتخاب کردند. آیا انتخاب آنها نهایی است؟ نه، نه.

دقیقاً همین را می‌گوید. در پس انتخاب آنها از او، انتخاب او از آنها نهفته است. یوحنا ۱۶:۱۵.

حالا، دوباره آن را در چارچوبش قرار می‌دهم. تأکید بر جایگزینی عیسی به جای اسرائیل است، تکی که در انجام وظیفه‌اش شکست خورد، اشعیا ۵. من رفتم تا میوه پیدا کنم. میوه گندیده پیدا کردم.

اینطور نیست که اسرائیل تاک دروغین بود. آنها تاک ضعیفی بودند. آنها تاک میوه‌دار و پی‌ثمری بودند.

عیسی یک تاک حقیقی است. یعنی، او تحقق و تکمیل چیزی است که قرار بود اسرائیل باشد. اگر بخواهید، او اسرائیل حقیقی است.

و کسانی که از نظر معنوی به او پیوسته‌اند، تاک و شاخه‌هایش تصویر زیبایی از اتحاد با مسیح هستند؛ آنها نیز میوه می‌دهند زیرا به تاک، به تاک حقیقی، متصل هستند. اما بعد از گفتن این، شاید مبدا که آنها دچار سوء تفاهم شوند، مبدا که آنها، مبدا که تمام تأکید بر ماندن آنها باشد. مقاله‌ای از لئون موریس وجود دارد که نوعی پژوهش قدیمی‌تر در مورد عهد جدید است.

من برای لئون موریس احترام زیادی قائلم، کسی که با کلمات، با خداوند است. برادر فوق‌العاده، یک محقق عهد جدید استرالیایی، یونانی را خودش یاد گرفت در حالی که همسرش آنها را در سراسر استرالیا رانندگی می‌کرد دکترای خود را با یک کتاب شگفت‌انگیز گرفت، و سال‌ها تدریس کرد و به افراد زیادی کمک کرد. می‌دانم که گاهی اوقات می‌خواندم که در آنجا، می‌دانید، آخرالزمانی بودن همه چیز بود، و مردم از آن برای سوء استفاده از کتاب مقدس استفاده می‌کردند.

و او منتظر ماند تا کسی، همانطور که خودش گفت، واجد شرایطتر از من در این مورد بنویسد. اما وقتی کسی نیامد، او کتاب کوچکی در مورد آخرالزمان نوشت و خوب است. به بسیاری از مردم کمک می‌کند.

به هر حال، لئون موریس، در کتابی که الان عنوانش یادش نیست، فصلی در مورد تکرار نوشته است، تکرار یوهانین. لئون موریس هر بار که جان چیزی می‌گفت، دو بار، سه بار، من دیگر تکرار نمی‌کنم، تا یوحنا ۱۵، که بزرگترین زمان است، هشت یا نه بار، جان در مورد پایبندی صحبت می‌کند، را بررسی کرد. تکرار، یکی از ویژگی‌های سبک یوهانین، یک فصل است، مقاله‌ای از لئون موریس.

نتیجه‌گیری او این است. جان معمولاً سبک خود را تغییر می‌دهد. به ندرت پیش می‌آید که وقتی چیزی را تکرار می‌کند، آن را دقیقاً به یک شکل انجام دهد.

او واژگان خود را متنوع کرد. او ترتیب کلمات را تغییر داد. خلاصه کلام، نصیحت‌های او به شاگردان برای ماندن در یوحنا ۱۵ است، زیرا او می‌گوید ماندن، نمی‌دانم، هشت بار یا چیزی شبیه به این

هر بار، یک تغییر جزئی وجود دارد. این نتیجه‌گیری عجیب اما واقعی موریس است. ضمناً، یک نتیجه‌گیری کوچک در این مسیر، یوحنا ۲۱ است.

می‌دونی، دفعه سوم که عیسی از پطرس پرسید، آیا مرا دوست داری؟ او از آگاپائو استفاده نکرد، بلکه از فیلیو استفاده کرد، و مردم زیاد از این حرف‌ها می‌زنند. موریس می‌گوید، نه، نه. تأکید روی این است

این تغییر در افعال نیست، چیزی که متن یونانی نشان می‌دهد، اما تأکید بر این است که پطرس غمگین شد زیرا عیسی سه بار این کار را انجام داد، و سه باری را که او را انکار کرد، مرور می‌کند. این واقعیت که عیسی تغییر می‌دهد و از مترادف‌ها استفاده می‌کند، در واژگان یوحنا کاملاً رایج است. ضمناً، همه در انجیل یوحنا، از جمله عیسی، از واژگان یوحنا استفاده می‌کنند.

من مدام از موضوع اصلی خارج می‌شوم. کتاب مقدس کلام الهام‌شده‌ی خداست، و لوقا در کتاب اعمال رسولان خلاصه‌ی دقیقی از پیام‌های رسولان ارائه می‌دهد، نه کل پیام‌های آنها، به قول لوقا. این چیزی است که خدا الهام کرده است.

و در انجیل یوحنا، یوحنا تمام متن را به طور کامل بیان می‌کند. در هر صورت، موریس می‌گوید که تغییر واژگان، ترتیب کلمات و غیره در یوحنا آنقدر رایج است که این هیچ معنایی ندارد. این فقط تغییر واژگان توسط یک نویسنده خوب است.

آیا او می‌دانست که همیشه این کار را می‌کند؟ نمی‌توانم به این سوال پاسخ دهم. من نمی‌توانم به این سوال پاسخ دهم. شاید می‌دانست، شاید نه، اما او این کار را می‌کرد.

این موضوع آنقدر رایج است که موریس می‌گوید اگر عیسی در انجیل یوحنا چیزی را دقیقاً به یک شکل بیان کند، برای تأکید این کار را می‌کند. من متوجه شده‌ام که این موضوع در مورد کتاب مقدسی که در طول سال‌ها بیشترین مطالعه را روی آن داشته‌ام، صادق است. من آن را به شیوه‌ای تدریس کرده‌ام، چه در انجیل انگلیسی و چه در متن یونانی، با چنان تنوعی که وقتی اولین موسسه آموزش عالی‌ام، یعنی حوزه علمیه، را ترک کردم، آنها یک یا چند صفحه از فهرست دروس مربوط به ... به هر حال، در مورد انجیل یوحنا کافی است. کافی است.

شما مرا انتخاب نکردید. البته، آنها انتخاب کردند. منظور او در نهایت، ESV، یوحنا ۱۶:۱۵، عیسی می‌گوید این است، اما من شما را برگزیدم و شما را مأمور کردم تا بروید و میوه بیاورید و میوه شما بماند، تا هر چه از پدر به نام من بخواهید، به شما عطا کند.

این چیزها را به شما فرمان می‌دهم تا یکدیگر را دوست داشته باشید. شما می‌گویید، یک دقیقه صبر کنید، این انتخاب برای شاگرد بودن و ثمر آوردن است. کاملاً درست است.

گزینش برای شاگردی و ثمربخشی، خدمت است. اما به آیه ۱۹ در چارچوب آیه ۱۸ نگاه کنید. اگر دنیا از شما نفرت دارد، بدانید که پیش از شما از من نفرت داشته است.

اگر از جهان بودید، جهان شما را چون کسان خود دوست می‌داشت. اما چون از جهان نیستید، چگونه چنین شد؟ اما من شما را از جهان برگزیدم؛ از این رو، جهان از شما نفرت دارد. این گزینشی است که توسط عیسی انجام شده، فقط در اینجا در یوحنا و کل کتاب مقدس.

در یوحنا ۱۵، آیات ۱۶ و ۱۹، بله، برای خدمت است، اما اول از همه، برای تعلق به اوست و نه به جهان، همانطور که دی. ای. کارسون به طور مؤثر در کتاب «حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی» نشان می‌دهد. ضمناً، او می‌خواست عنوان فرعی کتاب «در انجیل یوحنا» را انتخاب کند. این پایان‌نامه او بود.

اگر باور کنید، خیلی خلاصه شده. همین الانش هم کتاب خیلی حجیم و سنگینی است. اما به هر حال، او می‌خواست عنوان «در انجیل یوحنا» را روی آن بگذارد.

ناشر می‌دانست که اگر این را حذف کند، کتاب‌های بیشتری می‌فروشد. و خب، اما خب، همین است که هست. بر اساس انجیل یوحنا نوشته شده است.

بنابراین، کسی که انتخاب می‌کند، انتخاب‌کننده، بانی انتخاب، خداست، همیشه پدر، و اینجا در انجیل یوحنا، پسر. انتخاب یازده نفر توسط عیسی، یهودا که قبلاً برای خیانت به ارباب خود رفته بود، منجر به نجات آنها می‌شود زیرا این امر مستلزم تعلق آنها به اوست، نه به جهان. دوباره می‌گویم.

ما توجه داریم که گزینش هم برای رستگاری و هم برای خدمت است. شما مرا انتخاب نکردید، من شما را انتخاب کردم. من شما را منصوب کردم تا بروید و میوه بیاورید، میوه بیاورید، تا میوه شما باقی بماند، یوحنا ۱۵:۱۶.

بنابراین، این یک انتخاب نادرست برای آرمینیان‌ها است که بگویند برگزیدگی برای خدمت است، نه نجات برگزیدگی برای هر دو است، و در واقع، اول از همه، برای نجات است. این حقیقت که خدا بانی برگزیدگی است، با در نظر گرفتن زمان آن، زمان برگزیدگی قبل از خلقت، تقویت می‌شود.

باید در ضمن بگویم که هیچ‌کس نمی‌فهمد، خب، خدای مهربان همه چیز را در مورد گزینش می‌داند، اما ما نمی‌فهمیم، باشه؟ این الهی است، غم و اندوه خوب، و در توصیه‌های ابدی خداست. ما آن را به طور کامل یا بی‌نقص نمی‌فهمیم. شاید گیج‌کننده‌ترین چیز این باشد که چرا خداوند ما را انتخاب کرد.

پاسخ من این است که به خاطر عشق و اراده اوست، اما تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که، همانطور که در اول قرن‌تین ۱ آمده است، همانطور که تلویحاً اشاره می‌کند، خداوند مهربان در انتخاب ما، مردم لجوج و سرسخت، حس لطف و شاید حس شوخ‌طبعی زیادی دارد. چهار متن از عهد جدید، انتخاب را قبل یا بعد از انتخاب قرار می‌دهند. آیا به کتابم، انتخاب و اراده آزاد، اشاره کردم؟ بله، این یک تبلیغ بی‌پرده است، انتخاب PNR و اراده آزاد، انتشارات.

من تمام متون اصلی مربوط به انتخابات را در هر دو عهد پوشش می‌دهم. پولس دو بار تعلیم می‌دهد که خدا قبل از خلقت، مردم را برای نجات انتخاب می‌کند. افسسیان ۱:۴، خدا ما را در مسیح قبل از بنیان جهان برگزید تا در حضور او مقدس و بی‌عیب و در محبت باشیم.

خدا ما را پیش از آفرینش جهان در او برگزید تا در حضور او مقدس و، ESV، کتاب مقدس استاندارد مسیحی بی‌عیب باشیم. دوم تیموتائوس ۱:۹، متنی زیبا، که اغلب از آن صرف نظر می‌شود، حرکت خوبی نیست، و منظورم از اینکه از آن صرف نظر کردم، یک شوخی الهیاتی نبود. منظورم طرد شدن نبود.

اوه، ببخشید، ببخشید. خدا ما را نجات داده و به دعوتی مقدس فراخوانده است، نه بر اساس اعمال ما، بلکه بر اساس هدف و فیض خود، فیضی که مقدمه آن در مسیح عیسی به ما داده شده است، به معنای واقعی، کلمه پیش از اعصار ازلی. خدا ما را نجات داده و به دعوتی مقدس فراخوانده است، نه بر اساس اعمال ما، بلکه بر اساس هدف و فیض خود.

این مختصرترین جمله‌ی پولس در مورد برگزیدگی است. آیا خدا چیزی را در ما پیش‌بینی کرده بود؟ نه، او گناه را در ما پیش‌بینی می‌کرد. او افرادی را که شایسته‌ی نجات نبودند، پیش‌بینی می‌کرد.

نه، این [هدف] [در او ساکن است؛ اساس] آن [در اوست. چه چیزی به طور خاص در اوست؟ هدف و فیض، او، این تمام رمز و راز را از بین نمی‌برد، اما] این [در راز شخصیت خود خدا، به ویژه هدف یا اراده او، نقشه او و فیض او، عشق او، رحمت او، شفقت او، ساکن است، گزینش را در جایی که به آن تعلق دارد، قرار می‌دهد. با این وجود، آن هدف و فیض توسط مسیح عیسی قبل از آغاز زمان به ما داده شده بود.

پولس تأیید می‌کند که خدا انتخاب‌کننده است و او قوم خود را پیش از بنیان جهان برگزیده است. وقتی می‌گوید که ما می‌توانیم در نظر او مقدس و بی‌عیب باشیم، منظور تقدیس است. همانطور که بعداً در این سخنرانی‌ها خواهیم دید، تقدیس در وهله اول اهمیت دارد.

خداوند ما را به عنوان قدیسان خود متمایز می‌کند. این [مقام] [پیشرونده و مادام‌العمر است، و نهایی و کامل پسر، من عاشق ترکیب این چیزها هستم، زیرا نشان می‌دهد که خداوند ما را از ابتدا، از قدیس بودنمان، از طریق یک فرآیند مادام‌العمر تقدیس، تا هدف قطعی تقدیس کامل و بی‌نقص، نجات می‌دهد.

چه امیدی به قوم خدا که در حال مبارزه هستند و به گذشته نگاه می‌کنند، می‌دهد؟ منظور این است که به من می‌گویی، کشیش، من به خاطر داشتن روح القدس در حال مبارزه هستم؟ بله، اگر این روح القدس را نداشتی، در حال مبارزه نبود. بدون هیچ مشکلی از گناهانت لذت می‌بردی.

و همچنین، در حالی که مبارزه می‌کنیم، هرگز نباید هدف را فراموش کنیم. خداوند ما را در تقدس کامل تأیید خواهد کرد. من نمی‌توانم تصور کنم که حتی برای یک هفته، هیچ فکر، گفتار یا عملی گناه‌آلود در زندگی‌ام داشته باشم.

تخیل شما، قانون شما نیست. قانون شما کلام خداست. خدا می‌گوید که چنین است، و شما در نظر او مقدس و بی‌عیب خواهید بود.

اگرچه مردم اختلاف نظر دارند و با هم متفاوتند، من این تقدیس را، حتی به عنوان فرزندخواندگی در آیه ۵، نهایی و مربوط به آخرت می‌دانم. قرار دادن گزینش قبل از خلقت، ایمان یا اعمال انسانی را از معادله حذف می‌کند. استفاده مشابه رسول از گزینش قبل از خلقت، در رومیان ۹:۱۱، افسسیان ۱:۴ را روشن می‌کند. شباهت در اینجا شباهت زمانی نیست، زیرا در رومیان ۹، قبل از آن قبل از تولد اسحاق و یعقوب است.

اما اگر بخواهید، این نشان دهنده‌ی یک پیش بودن است، یعنی اهمیت استفاده‌ی پولس از کلمه‌ی «قبل» با اشاره به زمان را نشان می‌دهد. اگرچه پسران او، پسران ربکا، هنوز متولد نشده بودند و هیچ کار خوب یا بدی انجام نداده بودند، تا هدف خدا، همان کلمه‌ای که در دوم تیموتائوس ۱۹ آمده است، هدف خدا بر اساس گزینش، نه از اعمال، بلکه از کسی که دعوت می‌کند، پابرجا بماند. به ربکا گفته شد که بزرگتر، کوچکتر را خدمت خواهد کرد.

همانطور که نوشته شده است، من یعقوب را دوست داشتم، اما از عیسو متنفر بوده‌ام. رومیان ۹:۱۱ تقریباً مطمئنم که می‌گوید قبل از اینکه پسران به دنیا بیایند. خب، به نظر نمی‌رسد که از کلمه قبل از استفاده کند، اما مفهوم قبل از آن را دارد.

اگرچه آنها هنوز به دنیا نیامده بودند، اما این تصور که خدا این کار را قبل از تولد آنها انجام داده است، نشان می‌دهد که نیت او برای آنها هیچ ارتباطی با رفتارشان نداشته و او آنچه را که انجام خواهند داد، پیش‌بینی کرده است. به روایت انجیل، ربکا از یک مرد، یعنی جدش اسحاق، بچه‌دار شده بود. خب، نمی‌توانید بگویید که تفاوت بین یعقوب و عیسو این است که آنها پدران متفاوتی هستند.

نه، آنها یک پدر دارند. نسب آنها یکی است. اگرچه آنها هنوز به دنیا نیامده بودند و هیچ کاری، چه خوب و چه بد، نکرده بودند، بنابراین این اساس این انتخاب الهی نیست.

به او گفته شد که برای اینکه هدف خدا از گزینش، نه به خاطر اعمال، بلکه به خاطر کسی که فراخوانده می‌شود، ادامه یابد، خدا یکی را انتخاب کرد و دیگری را انتخاب نکرد. به همین ترتیب، بگذارید بیشتر توضیح دهیم؛ پولس از انتخاب یعقوب بر عیسو توسط خدا قبل از تولدشان صحبت می‌کند، یعنی قبل از اینکه آنها کار خوب یا بدی انجام داده باشند. انتخاب خدا قبل از تولدشان مانع از هر کاری می‌شد که می‌توانستند انجام دهند، از جمله ایمان آوردن.

انتخاب خدا قبل از تولد آنها تضمین می‌کرد که هدف او، بر اساس گزینش، ممکن است پابرجا بماند. به همین ترتیب، گزینش خدا قبل از خلقت به این معنی است که اساس گزینش کاملاً در درون خداست و نه در درون ما. در یک کلام، رومیان ۹:۱۶ نشان می‌دهد که رستگاری به اراده یا تلاش انسان بستگی ندارد، بلکه به خدایی بستگی دارد که رحمت خود را نشان می‌دهد.

رومیان ۹:۱۱، آیه‌ای بسیار مهم. در سخنرانی بعدی‌مان، نگاهی دقیق‌تر به دوم تیموتائوس ۱:۹ خواهیم داشت. این دکتر رابرت پترسون است که در مورد نجات تعلیم می‌دهد.

این جلسه شماره شش، انتخابات، فرمول‌بندی‌های سیستماتیک، شماره یک، نویسنده است.